



شهید گنجی برای رفع مشکلات دانشجویان و هر یک از افرادی که به پاکستان مراجعه می کردند، با خوشرویی و بلند نظری نهایت کوشش را می کرد و واقعا یک لحظه آرام نداشت. دکتر حکیمه دبیران و مهندس سید یوسف مهاجرانی، زوجی فرهنگی هستند که به شکل خانوادگی با شهید گنجی معاشرت و همکاری داشتند. دکتر دبیران استاد دانشگاه تربیت معلم، علاوه بر تألیفات ادبی ای که دارد، دفتر شعری نیز به نام "از چمشته بقا" با موضوع شهدا منتشر کرده و مهندس مهاجرانی نیز دبیر بازنشسته آموزش و پرورش است.

دردمند

«فعالیت های فرهنگی شهید گنجی» در گفت و شنود شاهد یاران با دکتر حکیمه دبیران،

رئیس اسبق دانشگاه الزهراء (س) و مهندس سید یوسف مهاجرانی، از دوستان شهید

## راز گوی انقلاب اسلامی بود...

بفرمایید از کی و کجا با شهید گنجی آشنا شدید و سبب آشنایی تان چه بود؟

**دکتر حکیمه دبیران:** در سال ۱۳۶۷ به عنوان استاد اعزامی زبان و ادبیات فارسی برای تدریس در بخش فارسی دانشگاه پنجاب شهر لاهور به پاکستان اعزام شدم. در آن زمان مرحوم شهید صادق گنجی مسئول خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در لاهور بود. آشنایی ما از همان جا شروع شد.

**شما از طرف کجا به لاهور اعزام شدید؟**

**دکتر دبیران:** از طرف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - وزارت علوم و آموزش عالی آن زمان - اعزام شدم. البته قبل از این مأموریت، به مدت سه سال، از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۷ رئیس دانشگاه الزهراء (س) بودم و هنگامی که آقای دکتر محمد فرهادی وزیر محترم وقت، برای شرکت در کمیته دائمی کنفرانس علم و تکنولوژی که در پاکستان برگزار می شد، عازم اسلام آباد بودند، از من خواستند که همراه هیأت باشم. در طی این سفر، چند روز در اسلام آباد بودیم، سپس از لاهور، که به عنوان یک شهر فرهنگی پاکستان محسوب می شد، از بخش فارسی دانشگاه پنجاب - اورینتل کالج - نیز بازدید کردیم. همان جا استادان پاکستان از آقای وزیر درخواست کردند که برای کمک به تدریس زبان فارسی حتما استاد ایرانی اعزام شوند، تا هم به رفع مشکلات استادان و دانشجویان پاکستانی بپردازند، هم موجب تقویت زبان فارسی در این جا باشند. آقای دکتر اکرم شاه، رئیس اورینتل کالج، افزود که قبل از انقلاب رسم این بود که استادی ایرانی برای همکاری و همراهی با ما به این جا می آمدند، ولی این مسئله از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی تا این زمان - سال ۱۳۶۷ - مغفول مانده است. همان جا تمایل و آمادگی خودم را برای این مأموریت، به آقای دکتر فرهادی اعلام کردم. خوشبختانه ایشان موافقت کردند که هنگام بازگشت به ایران، به طور رسمی درخواست اعزام برای این مهم را داشته باشم.

**شهید گنجی در اعزام شما چقدر نقش داشت؟**

**دکتر دبیران:** چون این مسئله فقط مربوط به وزارت علوم بود و منوط به تصمیم خودمان، ایشان در اعزام نقشی

نداشتند. البته چون اولین استاد اعزامی زبان و ادبیات فارسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به خارج از کشور بودم، چند ماهی کار تدارک سفر در ایران طول کشید و مشکلاتی را نیز به همراه داشت. برخی از مسئولان وزارت امور خارجه این مسئله را قبول نمی کردند و هنوز برای شان حل نشده بود. بالاخره با تلاش های بسیار و ارائه نامه های مکرر وزارت علوم، ما قبولانیدیم که این مسئله به نفع جمهوری اسلامی است و موجب تقویت و گسترش زبان فارسی در جهان خواهد شد. الحمدلله این کار شکل گرفت و امروز تعداد استادان اعزامی ما به کشورهای گوناگون جهان به بیست نفر رسیده و هر ساله رو به افزایش است.

**آقای مهندس مهاجرانی، بفرمایید شما با همسر تان در یک زمان با آقای گنجی آشنا شدید؟ روایت تان را از آشنایی با ایشان بگویید.**

**مهندس سید یوسف مهاجرانی:** همان طور که خانم فرمودند، هنگام اعزام ایشان برای تدریس در دانشگاه پنجاب، با هم همسفر بودیم و در همان سال ۱۳۶۷ با شهید گنجی آشنا شدیم. در بدو ورودمان آقای گنجی با بزرگواری محبت کردند و اتاقی از ساختمان های خانه فرهنگ را به طور موقت در اختیار ما گذاشتند و ما یک هفته آن جا بودیم تا منزل پیدا کردیم. شهید گنجی بسیار به ما لطف کردند و همیشه مورد محبت شان بودیم. ضمنا جلسات بحث، مراد و صحبت های ما در مورد فرهنگ و انقلاب و ایران با ایشان شبها و گاهی روزها، همواره برپا بود و اغلب به اتفاق به مناطق مختلف لاهور می رفتیم و جاهای جالب این شهر را به ما نشان می دادند. مثلا در مرکز شهر لاهور مکانی بود که متعلق به خانه فرهنگ بود. آن جا کتابها، عکسها، اسلایدهایی که از ایران فرستاده می شد به معرض نمایش گذاشته می شد که مردم لاهور به تماشا بیایند و ببینند و بخرند یا مورد استفاده قرار دهند؛ تقریبا کتابخانه عمومی بود.

**بعدا شما و خانواده در لاهور ماندگار شدید؟**

**مهندس مهاجرانی:** همان دو سالی که خانم مأموریت داشتند، آن جا بودیم. البته بنده پیش از مأموریت خانم، رئیس هنرستان آزادی فلسطین - ارت سابق - بودم. در این

سفر، وزارت آموزش و پرورش با توجه به تقاضای وزارت ارشاد، مرا به عنوان مروج زبان فارسی در خانه های فرهنگ پاکستان به مأموریت فرستادند و من به بازرسی کلاس های فارسی در شهرهای مختلف پاکستان مشغول به کار شدم و مرتبا در حال سفر و بازدید بودم و گزارش کار را به رایزنی جمهوری اسلامی ایران در اسلام آباد می دادم.

**دکتر دبیران:** ایشان مجبور بودند با هماهنگی رایزنی به شهرهای مختلف بروند، و ما در لاهور بودیم.

**خانم دکتر دبیران، بفرمایید شما کارتان را چگونه شروع کردید؟ شهید گنجی آن جا چه کمکی به شما کردند؟ چون مشهور است که شهید گنجی در پاکستان به همه بچه های ایران از دعوت گرفته تا اسکان و همراهی و راهنمایی با مقامات عالی، همه گونه سرویس می دادند.**

**دکتر دبیران:** آن قدر رفتار شهید گنجی خالصانه و بی ریا بود که احساس غریبی نمی کردیم. یعنی هم دانشجویان و هم ما احساس می کردیم که فردی از خاندان خودمان است. شهید گنجی برای رفع مشکلات دانشجویان و هر یک از افرادی که مراجعه می کردند، با خوشرویی و بلند نظری نهایت کوشش را می کرد. واقعا یک لحظه آرام نداشت. این جوان پر شور دائما در کار گره گشایی، تبلیغ و بیان حقایق بود. در بیان مسائل انقلاب رشادت و شهامت قابل تحسینی داشت. ایشان علی رغم این که مسئولیت داشت، ولی از تحصیل و فراگرفتن زبان و علوم مختلف باز نایستاده بود و هنوز خود را به عنوان طلبة و دانشجو تلقی می کرد. هر چیزی را

● شهید گنجی بسیار به ما لطف

● کردند و همیشه مورد محبت شان

● بودیم. ضمنا جلسات بحث، مراد و

● صحبت های ما در مورد فرهنگ

● و انقلاب و ایران با ایشان شبها و

● گاهی روزها، همواره برپا بود و اغلب

● به اتفاق به مناطق مختلف لاهور

● می رفتیم و جاهای جالب این شهر را

● به ما نشان می دادند.

بین این ایام، روزی خالی از مراسم باشد، بلکه چهل روز تمام مراسم برپا بود و آقای قمی مسؤولیت بسیاری از این مراسم را به ما می دادند که گاهی در یک روز به چند محله می رفتیم و البته شهید گنجی خیلی بیشتر از دیگران، در مراسم مختلف سخنرانی می کردند و برای استحکام پیوند دو ملت مسلمان به انحاء مختلف می کوشیدند.

### نگاه شهید گنجی به حضرت امام (ره) چگونه بود؟

**مهندس مهاجرانی:** شهید گنجی با تمام وجود به امام (ره) ارادت می ورزید و در سخنرانی هایش امام (ره) را احیاکننده احکام و منجی عالم اسلام می دانست و به خصوص همان طور که خانم گفتند در رحلت حضرت امام (ره) سنگ تمام گذاشت، برای تظاهرات با عظمتی که در خانه فرهنگ یا در مکان های مختلف لاهور یا در خود شهر لاهور برپا می شد. ایشان گرداننده و برپاکننده آن مجالس بود و از سخنرانان مختلف پاکستانی و ایرانی دعوت می کرد که برای انقلاب اسلامی و رحلت حضرت امام (ره) صحبت کنند. اصلاً آن موقع شرایط طوری بود که اعتقاد به انقلاب، عیناً تبعیت از حضرت امام (ره) بود. یعنی بدون شک کسی که برای گسترش اهداف انقلاب کمک می کرد، ارادتش به امام خمینی (ره) مشهود بود.

**دکتر دبیران:** در آن زمان ما شاهد بودیم که مردم پاکستان طوری شیفته حضرت امام (ره) بودند که با حسرت و افسوس می گفتند: کاش یک امام هم ما داشتیم، کاش یک امام خمینی هم ما داشتیم. ما به آن ها می گفتیم که امام خمینی (ره) برای تمام جهان اسلام است. الحمدلله احساس بسیاری از مردم همین طور بود، ولی مرتباً اظهار می کردند که شما با داشتن امام، راه خودتان را پیدا کردید و از انقلابی که در ایران رخ داده بود، خیلی اظهار خوشوقتی می کردند.

### از فعالیت های دیگر شهید گنجی در زمینه مسائل فرهنگی چه می دانید؟

یکی از کارهای بسیار ارزنده رایزنی و خانه فرهنگ در زمان ایشان، برگزاری سمینارهای مختلف درباره فرهنگ و ادب فارسی بود و همچنین برگزاری مسابقه های مختلف ادبی برای شعر جنگ و انقلاب اسلامی در پاکستان که بعضی از مسؤولان فرهنگی ایران هم دعوت می شدند. برای اهدای جوایز به کسانی که در مسابقه های مقاله نویسی و شعر انقلاب همت کرده بودند، یعنی به همه پاکستانی ها و ایرانی هایی که در این زمینه اهتمام کرده بودند، جوایزی می دادند. این خودش هم تشکری از آنان بود و هم تشویق

به طور کلی برخاسته از صفای برگزار کنندگان، حالت جلب قلوب و محبتی بین همه افراد شرکت کننده در آنجا حکمفرما بود. علاوه بر این با توجه به خیرخواهی شهید گنجی، مردم لاهور اعم از شیعه و سنی نیز خانه فرهنگ را آمانی برای خود می دانستند.

**خانم دکتر، مادر مصاحبه با همکاران و دوستان شهید، مطلع شدیم، ایشان با این که سن و سال زیادی هم نداشت، در این که می دانست دارد از پاکستان می رود، برای نمایندگان فرهنگی بعد از خودش میراث خوبی باقی گذاشت و عمیق و عجیب دنبال شناخت بود. شناخت**

**آن منطقه، شناخت فرهنگ، شناخت آدم های هر حوزه در پاکستان و لاهور، و همه این ها را یادداشت می کرد. مرور این بخش از زندگی شهید گنجی، به خصوص از دارایی های بسیار ارزشمندی است که هر روز به آن برخورد می کنیم و متأسفانه بی تفاوت از کنارشان می گذریم. در مورد این ویژگی شهید گنجی و حاصلی که به بار داشت و برای ما به جای گذاشت، صحبت کنید**

**دکتر دبیران:** همین طور که می فرمایید، توجه دقیق شهید گنجی به مسائل مختلف و جمع بندی بیس آن ها قابل تحسین بود. در آن موقعیت بحرانی برای مردم پاکستان، با سؤال های مختلفی که داشتند، باید مسائل انقلاب روشن و تبیین می شد. علاوه بر ایجاد نظم در همه بخش های خانه فرهنگ، ارتباط با مؤسسات مختلف و طبقات مختلف مردم پاکستان، کارهایی بود که فراتر از وظیفه شهید گنجی بود، ولی با صبر و حوصله و شوق و ذوق به آن ها می پرداخت. یعنی واقعا در بند این نبود که ببیند کدام قسمت از امور مربوط به کارهای اوست یا مسؤولیتش چقدر است؛ بلکه آنچه در توان داشت به کار می برد و برای تبیین حقایق اسلام، گسترش اهداف انقلاب و پیوند فرهنگی بین ایران و پاکستان کوشش فراوان می کرد. شاید یکی از توفیقاتی هم که برای ایشان بود، حضور جناب آقای قمی سرکنسول لاهور در آن موقع بود. ایشان هم یکی از افراد بسیار خالص و شایسته و مؤمن به همه اهداف انقلاب بودند. همکاری این دو نفر خیلی در گسترش کارها در لاهور

کمک می کرد و بسیار مؤثر بود. از آن جمله مسئله رحلت حضرت امام (ره) بود که بازتاب خیلی گسترده ای در پاکستان داشت. در شهر لاهور و اطرافش از بدو شنیدن خیر رحلت امام خمینی (ره) شروع به عزاداری کردند. تا چهل روز تمام این ها مجلس عزاداری برپا می کردند. این مراسم تنها در خانه فرهنگ نبود، بلکه در تمام شهرهای اطراف لاهور، نهادهای مختلف در شهرهای مختلف، دهات اطراف، هر منطقه ای برای خودشان مراسمی برپا می کردند. این طور نبود که سوم برگزار شود و هفتم و چهلم، این طور نبود که



دوست داشت یاد بگیرد، استعداد عجیبی هم در فراگرفتن زبان داشت، زبان انگلیسی و اردو را در فاصله کوتاهی یاد گرفته بود و با شجاعت تمام به زبان اردو سخنرانی می کرد و اگر بچه ها به شوخی می خندیدند یا دانشجویان می گفتند بعضی از ضمیرهای مؤنث و مذکر را جای هم عوضی گفتید، ایشان با اعتماد به نفس و گشاده رویی می گفت اشکالی ندارد، مهم این است که هم مطلب را رساندم، هم این مسأله برای تحبیب قلوب مردم خیلی اهمیت دارد. در حقیقت خیلی مهم بود که در بین مردم پاکستان، یک مسؤول فرهنگی ایرانی به زبان اردو صحبت کند، سخنرانی کند. حالا از این که ایشان تحقیقاتی در این زمینه داشتند یا نه، اطلاعی ندارم ولی اگر همین سخنرانی ها ان شاء الله پیدا و احیاء شود، بسیار مناسب است. روی هم رفته باید عرض کنم که خلوص ایشان و مردم داری اش زبانزد همه بود.

**آقای مهندس مهاجرانی، شما جواب این سؤال را بفرمایید. آنجا شهید گنجی کلا در همراهی، راه اندازی، تسهیلات چه کمک هایی به شما کرد؟**

**مهندس مهاجرانی:** البته خدمت تان کفتم موضوع اسکان ما در خانه فرهنگ برای ما خیلی مهم بود. به شهر غربی وارد شده بودیم و آشنایی هم نداشتیم و ایشان با سعه صدر محبت کردند و به ما مکانی بسیار راحت دادند، حتی یک نفر خانم مستخدمه پاکستانی را قرار داده بودند که گاهی پخت و پز هم برای ما انجام دهد و اگر چیزی می خواستیم یا کاری داشتیم، کمک کند. مرحوم شهید گنجی ارتباط خیلی خوب و صادقانه ای با همه ایرانی ها به خصوص دانشجویان لاهور داشت و مرتباً شب های جمعه دعای کمیل برپا می شد و خود دانشجویان دور هم جمع می شدند و به حساب خودشان غذایی درست می کردند و در مجلسی که در خانه فرهنگ برپا می شد، بین خود دانشجویان و خانواده های شرکت کننده تقسیم می کردند.

- از ثمرات تلاش های شهید گنجی
- در مرکز شهر لاهور، مکانی بود که
- متعلق به خانه فرهنگ بود. آنجا
- کتاب ها، عکس ها، اسلاید هایی که
- از ایران فرستاده می شد به معرض
- نمایش گذاشته می شد که مردم
- لاهور به تماشا بیابند و ببینند و
- بخرند یا مورد استفاده قرار دهند؛
- تقریباً کتابخانه عمومی بود



آن قدر رفتار شهید گنجی خالصانه و بی‌ریا بود که احساس غریبی نمی‌کردیم. یعنی هم دانشجویان و هم ما احساس می‌کردیم که فردی از خاندان خودمان است. شهید گنجی برای رفع مشکلات دانشجویان و هریک از افرادی که مراجعه می‌کردند، با خوشرویی و بلند نظری نهایت کوشش خود را می‌کرد

که شهید گنجی در فاصله ایام اقامت ایشان انجام می‌دادند. آقای مهندس مهاجرانی، شما چه خاطره‌ای از این سمینارها دارید؟

مهندس مهاجرانی: بهترین خاطره‌اش همین که شکوه و عظمتی را ما آن‌جا دیدیم که مایه مباهات ما بود. در هتل آواری - هتل هیلتون - در لاهور عظمت انقلاب و اسلام را ما آن‌جا به چشم دیدیم. دیدیم در مجالسی که برای بزرگداشت یک شاعر مسلمان ایرانی و همین طور علامه اقبال برپا شده بود، چه جمع کثیری با اشتیاق شرکت کرده بودند. یک حالت وجد و شوق، یک حالت باصفا و باطراوات ایجاد کرده بود و ما خیلی خوشحال بودیم که در سرزمین پاکستان سمیناری برای انقلاب و اسلام، به دست و همت همه مسؤولان وقت، از جمله شهید گنجی برپا شده بود. یکی از عباراتی که در روزنامه «نوی وقت» لاهور نوشته بودند، حاکی از رفع شبهات ایشان نسبت به جایگاه شعر و ادب در انقلاب اسلامی ایران بود.

آیا عین عبارت را به خاطر دارید؟

مهندس مهاجرانی: ترجمه عبارت کامل آن که به زبان اردو در روزنامه آمده، این است که: «طی قرن گذشته این اولین بار بود که از طرف ایران به طور مؤثر و مثبت، مراسمی برای عوام و خواص پاکستان ترتیب یافت. به ویژه به محو کردن این خیال از ذهن دانشوران پاکستانی مدد می‌کرد که انقلاب اسلامی ایران دشمن شعر و ادب و فرهنگ نیست». روشن شدن این مسأله، آن هم با چنین شکوه و عظمتی، خیلی مهم بود.

پس به این ترتیب روزنامه‌ها هم همکاری خوبی داشتند؟

در مشهد تشریف دارند و بازنشسته همان دانشگاه مشهد و صاحب تألیفات بسیار هستند، آقای دکتر اصغر دادبه و آقای دکتر محمد باقر کتابی و آقای دکتر احمد تمیم‌داری استاد دانشگاه علامه طباطبایی، که در آن زمان رئیس مرکز تحقیقات ایران و پاکستان در اسلام آباد بودند.

مهندس مهاجرانی: مرحوم مهرداد اوستا شاعر معروف هم بودند. خوشبختانه توفیقی هم داشتیم که این اساتید یک روز لطف کردند و مهمان ما بودند. ما هم با افتخار در خدمت‌شان بودیم.

استادان پاکستانی هم حضور داشتند؟

دکتر دبیران: بله، استادان پاکستانی هم حضور داشتند. از اساتید پاکستانی که مقاله‌هایی درباره حافظ ارائه کردند، آقایان دکتر سید محمد اکرم شاه که همان موقع رئیس بخش فارسی دانشگاه پنجاب یا به قول خودشان اورینتل کالج هم بودند، دکتر آفتاب اصغر از استادان همان دانشگاه پنجاب، دکتر سید حسن سبط رضوی، دکتر ساجد تغمیمی از دانشگاه کراچی، پروفیسور میرزا محمد منور رئیس آکادمی اقبال، دکتر صدیق شیبلی از دانشگاه آزاد علامه اقبال، دکتر انعام الحق کوثر از دانشگاه کوئته بلوچستان، دکتر وحید قریشی صدر بزم اقبال، دکتر عصمت نسرين از دانشگاه پشاور، سید عارف نوشاهی مدیر فصلنامه دانش، دکتر گوهر نوشاهی، دکتر محمد ظفر خان و دکتر صابر آفاقی از لاهور بودند.

مهندس مهاجرانی: ضمناً آقای شاه محمود قریشی وزیر برنامه‌ریزی و ترقیات پنجاب، سردار فاروق احمد لغاری، دکتر جمیل جالبی از مسؤولان لاهور و دکتر رفیق احمد رئیس دانشگاه پنجاب، در جلسات مختلف سمینار بزرگداشت حافظ، به عنوان صدر جلسه حضور داشتند. بسیاری از اساتید دیگر پاکستان و دانشجویان با اشتیاق شرکت می‌کردند.

سمینار حافظ در بهترین هتل لاهور، هتل آواری - هتل هیلتون برگزار شد. جمعیت بسیاری از خود مردم پاکستان به این سمینار می‌آمدند. شور و اشتیاق ایشان برای صحبت با استادان ایرانی به حدی بود که گاهی از شدت ازدحام، بسیاری از این‌ها صف می‌کشیدند تا بتوانند با استادان و مهمانان ایرانی صحبت کنند.

در عکسی دسته‌جمعی که در روزنامه جنگ لاهور آن زمان چاپ شده، شهید گنجی را در سمینار حافظ در

جمع افراد روی صحنه می‌بینیم. ایشان در این سمینار چه نقشی داشت؟ چگونه وارد بحث‌ها می‌شد؟

شهید گنجی یک حالت مدیریت و مراقبت به اصطلاح همه‌جانبه همه‌امور را داشت. یعنی یک نظارت کلی بر همه مسائل می‌کرد، تا هم پذیرایی از مهمان‌ها در حد عالی و خوبی باشد، هم ارتباط فرهنگی ایران و پاکستان در این برنامه‌ها مشخص شود، هم تا جایی که می‌شود از وقت این اساتید برای شرکت در مراسم مختلف، نهادهای مختلف، سخنرانی در آکادمی اقبال و همچنین بازدید از دانشگاه اسلامی اسلام آباد استفاده شود. همه این‌ها برنامه‌هایی بود



خوبی بود برای دیگران که توجه کنند.

از برنامه‌های چشمگیر شهید گنجی، ارتباط برادرانه با شیعیان پاکستان بود که موجب تقویت روحیه آن‌ها می‌شد. به خصوص یک مؤسسه فرهنگی - بهداشتی در شهر لاهور توسط شیعیان ایجاد شده بود که هم به مداوای مستمندان کمک می‌کرد و هم کلاس‌هایی با زمینه‌های فرهنگی برگزار کرده بود و مسؤولان آن‌جا آقایان نقوی و دوستان‌شان بودند. مسؤول کلاس‌ها حجت الاسلام نقوی بودند و مسؤول درمانگاه آقای دکتر نقوی که با همکاران‌شان خالصانه در آن‌جا خدمت می‌کردند. به هر حال از طرف خانه فرهنگ، بارها ما را به بازدید آن مجموعه فرهنگی بهداشتی بردند. خود این دیدارها و مذاکرات بین ما، هم برای ما و هم برای آن‌ها خیلی مفید بود. ساختمان آن‌جا هم خیلی زیبا و پسر معنا بود. توضیحاتی که خود آن‌ها می‌دادند، قابل توجه و برای ما بسیار ارزنده بود. آن‌ها از ابتدای ساخت با اهداف شیعی اقدام کرده بودند، از آن جمله کنگره‌های دوازده گانه‌ای که گذاشته بودند، جوی آبی که اطراف یک میدان، وسط آن حیاط درست کرده بودند و پیوسته جاری بود و آن را با زنجیرهای ظریفی محصور کرده بودند و می‌گفتند همه این‌ها نمادهای شیعی است. آن آب بر نماد آب فرات می‌دانستند، به یاد مردانگی و وفاداری حضرت ابوالفضل (ع)؛ و می‌گفتند این زنجیرها هم یادآور اسارت اسرای بزرگوار کربلاست. به طور کلی تمامی قسمت‌های ساختمان را با توجه به خاطرات شیعیان و تاریخ اسلام ترتیب داده بودند.

یکی از کارهای دیگر فرهنگی که در آن‌جا چشمگیر بود و تا چند روز، روزنامه‌های آن روز را به این مسأله مشغول کرده بود و خبرهای مختلف گسترده‌ای درباره ایران، فرهنگ ایران، ادبا و شعرای ایران، به آن ضمیمه می‌کردند، برگزاری سمینار «حافظ شیرازی» بود که به مناسبت بزرگداشت ششصدمین سال وفات این شاعر بزرگوار در شهر لاهور برگزار شد. دعوت شهید گنجی و جناب آقای قمی از چند تن از استادان بسیار ارجمند ایران، کار قابل توجهی بود.

اسامی ایشان را به خاطر دارید؟

دکتر دبیران: از استادان ایرانی آن طور که خاطر هست خدمت‌تان بگویم: آقای دکتر غلامرضا اعوانی، مرحوم دکتر مهدی درخشان که استاد دانشگاه تهران بودند، آقای دکتر محمد علوی مقدم که استاد دانشگاه مشهد بودند و الان هم





العلماء شیرازی است. از حسن رفتار این استاد ایرانی و ارتباط حسنه‌ای که بین او و علامه اقبال نوشته‌اند، مطمئناً در آشنایی اقبال با ایران و فارسی‌سرای این شاعر آزادی‌خواه انقلابی مؤثر بوده است. آثار معروف علامه اقبال به زبان فارسی عبارتند از: جاویدنامه، گلشن راز جدید، اسرار خودی، رموز بی‌خودی، پیام مشرق، پس چه باید کرد ای اقوام شرق؟، افکار، می‌باقی، ارمغان حجاز و زبور عجم.

هندی ام، از پارسی بیگانه‌ام ماه نو باشم، تہی پیمانہام گرچہ ہندی در عذوبت شکر است طرز گفتار دری شیرین تر است اقبال شعرهای بسیار خوب و ارزندہ‌ای نیز بہ زبان اردو دارد. برخی از این شعرها را ہم اردو زبانان یا آشنایان بہ این زبان، بہ فارسی ترجمہ کرده‌اند. دیوان اشعار فارسی و کلیات اشعار اردوی او ہم بارہا چاپ و منتشر شدہ است. کتاب‌های او بہ زبان اردو نیز بہ نام‌های بانگ درآ، بال جبریل و ضرب کلیم است. این جا خوب است از یکی از ابیات اردوی او را ہم کہ درباره ایران و بہ امید محور شدن تہران برای تصمیمات جہانی است، یاد کنیم:

تہران ہو گر عالم مشرق کا جنیوا شاید کرہ ارض کی تقدیر بدل جائی  
 با این توصیف، نگاه شہید گنجی بہ اقبال چگونہ بود؟  
 دکتر دبیران: یکی از مراکز فرهنگی لاهور کہ ارتباط تنگاتنگی با خانہ فرهنگ داشت، آکادمی اقبال بود. روحیہ انقلابی و مثبت شہید گنجی ہمہاںگ با اشعار پر محتوای علامہ اقبال بود. یکی از برنامه‌های رایج در لاهور ہم این بود کہ میہمانان محترم ایرانی را در بدو ورود برای نثار گل بہ مزار اقبال می‌بردند. در تمام مراسم و مذاکرات، احترام شہید گنجی بہ اقبال و درک مقام او مشہود بود. خود برگزاری این سمینار بزرگ کہ ہم از حافظ سخن رفت و ہم از علامہ اقبال، نشان دہندہ علاقت شہید گنجی و مسؤولان دیگر بہ ہر دو این شاعران بود. اقبال بیت جالبی دارد کہ می‌گوید: "محرم رازیم با ما راز گوی/ آن چہ می‌دانی ز ایران باز گوی" و شہید گنجی را پاکستانی‌ها بہ ہمین سبب دوست داشتند و می‌خواستند؛ او صادقانہ راز گوی انقلاب اسلامی بود.

علاوہ بر این شہید صادق گنجی کسی بود کہ با ہمہ استادان و شعراء وقت آن زمان، رفت و آمدہای مناسبی داشت و ما با ہر کدام از این ہا کہ می‌خواستیم ملاقاتی داشتہ باشیم، بہ راحتی با آقای گنجی صحبت می‌کردیم کہ اگر می‌تواند ترتیب آن ملاقات را بدہد؛ بلافاصلہ نیز از دفترشان ترتیب این کار را می‌دادند. با توجہ بہ محبتی کہ شہید بہ ہر کدام از این ہا داشت، بلافاصلہ حرف او را گوش می‌دادند و باعث می‌شد کہ این ملاقات‌ها با نہایت احترام انجام شود. مطمئناً یک چنین شخصی کہ چنین فعالیت و محبوبیتی در بین مردم دارد، دشمنانی ہم دارد کہ نمی‌توانند و نمی‌خواہند این موقیعت‌ها را ببینند. ہمین دشمنی‌ها باعث شد کہ مرتباً دنبال این بودند کہ یک چنین فرد مفیدی را از میان بردارند، یا بہ تعبیر ما بہ فیض شہادتش برسانند.

خاطره‌ای از شہید گنجی دارید؟

دکتر دبیران: بلہ، این ہم از برکات وجودی شہید صادق گنجی بود کہ می‌توان گفت با محبت و درایت، روزنامہ‌های لاهور و معروفترین خبرنگاران آن‌ها را در اختیار گرفتہ بود. آن‌ها ہم واقعا او را دوست داشتند. از روزنامہ‌هایی کہ درباره این سمینار گزارش دادند و من نسخہ‌ای از ہر کدام از آن‌ها را دارم، یکی روزنامہ «جنگ» است، یکی ہم روزنامہ «نوی وقت» لاهور، کہ اخبار سمینار حافظ شیرازی را با دید مثبت و بسیار خوبی منعکس کردہ بودند.

علاوہ بر این، یک مصاحبہ مطبوعاتی از طرف روزنامہ جنگ منعقد گردید کہ اساتید ایرانی زبان و ادبیات فارسی و چند تن از اساتید پاکستانی و مسؤولین رایزنی و خانہ فرهنگ حضور داشتند و پیرامون بسط و توسعہ زبان فارسی در شبہ قارہ و هنر شعری حافظ و مقام عرفانی وی و تأثیر کلام نافذ و روحانی او در شعراء شبہ قارہ و ہمچنین جایگاہ علامہ اقبال لاهوری نزد ایرانیان، مطالبی بیان کردند.

این سمینار نہ تنها برای خود ایران و ایرانیان از بسیاری جہات مفید بود، بلکہ بہ اذعان و اعتراف رسانہ‌های گروہی پاکستان و مستمعین جلسہ، شہر فرهنگی لاهور از مدت‌ها پیش، سمیناری بدین شکوہ و عظمت بہ خود ندیدہ بود. فرازهایی از ترجمہ مقاله روزنامہ «نوی وقت» کہ بہ این مناسبت از قول گزارشگر آن انتشار یافتہ، چنین است: "... مسؤول خانہ فرهنگ - آقای صادق گنجی - در پاسخ این سؤال کہ آیا برای بزرگداشت حافظ از طرف دولت ایران ہیچ مانعی نیست؛ اظهار داشت کہ امام خمینی بر آن مقام ایمان، حکمت و بصیرت فائز هستند، کہ با وجود ایشان ہیچ سؤالی کہ نشانگر مخالفت با علم باشد پیدا نمی‌شود. ایران از روز اول انقلاب، شأن ہمہ شاعران کلاسیک خود را بالا برده است، چنانچہ همانند حافظ شیرازی، روز فردوسی را ہم، سزاوار مقام این شاعر بزرگ آمادہ می‌کند."

خانم دکتر، اقبال لاهوری یک شاعر فارسی زبان است؟

دکتر دبیران: بلہ، بیش از نیمی از اشعار او بہ فارسی است. البتہ بہ فارسی صحبت نمی‌کرده است. اما وقتی شعر فارسی می‌گفتہ، بہ او می‌گفتند چرا بہ اردو شعر نمی‌گویی؟ می‌گفتہ است کہ من اصلاً شعر را بہ فارسی فکر می‌کنم، یعنی شعر بہ فارسی بہ ذہن من الہام می‌شود. ذکر این نکتہ مہم نیز ضروری است کہ یکی از دوستان پدرش کہ معلم عربی و فارسی کالجی بودہ، کہ اقبال در آن‌جا درس می‌خواندہ، مرحوم مولوی سید میرحسن شمس

- واقعاً یک لحظہ آرام نداشت. این جوان پرشور دائماً در کار گرہ‌گشایی، تبلیغ و بیان حقایق بود. در بیان مسائل انقلاب رشادت و شہامت قابل تحسینی داشت. علی‌رغم مسؤولیتی کہ داشت، از تحصیل و فراگرفتن زبان و علوم مختلف باز نایستادہ بود و ہنوز خود را بہ عنوان طلبہ و دانشجو تلقی می‌کرد. ہر چیزی را دوست داشت یاد بگیرد، استعداد عجیبی ہم در فراگرفتن زبان داشت.

مهندس مهاجرانی: خاطرہ‌های خوش کہ بسیار دارم، یک خاطرہ‌ای ہم دارم کہ در ارتباط با ہمین صحبت‌های خانم است، کہ گفتند شہید گنجی حالت یک انقلابی بارز و مشہود و موفق را داشت. درست یاد می‌آید کہ یک روز، من آدمم بہ خانہ فرهنگ سری بزنم، دیدم کہ آقای گنجی با یک حالت لیخنہ آمیختہ بہ تمسخر دشمنان، گفت: این ہا گفتہ اند ما بالاخرہ باید گنجی را ترور کنیم و می خواہیم برنامہ ای بچینیم کہ ایشان را از میان برداریم. با اعتماد بہ نفس می گفت کہ این ہا مرا از چہ می ترسانند؟ من از ہیچ چیز نمی ترسم، چون اعتقاد بہ خداست؛ ہر چہ او بخواید. این خاطرہ ہنوز در ذہنم است کہ با یک حالت خندہ و بہ یک حالت تمسخر از توطئہ آن ہا حرف می زد و با شجاعت می گفت این ہا ہر غلطی کہ می خواہند بکنند. البتہ ایرانی ہا از او می خواستند کہ خودش این قدر باز نگوید و تہدیدہا را اثناعہ نندہد، ولی این مسائل را تکرار می کرد و می گفت کہ من آمادہ ام برای شہادت و ہیچ ترس و واہمہ ای از شہادت ندارم.

خانم دکتر، شما چہ خاطرہ‌ای دارید؟

دکتر دبیران: بیشترین خاطرہ‌ها ہمین ایجاد ارتباط بین ما و فرهنگیان آن‌جا بود کہ از ہمہ باز استقبال می‌کرد. از جملہ این برنامه‌ها، برنامه‌ای بود کہ ما را با پروفیسور صدیقی آشنا کرد. ایشان رئیس دانشکدہ دولتی لاهور بود کہ بہ ایران و ایرانی علاقت خاصی داشت. یکی از آثار ایشان ترجمہ بعضی از اشعار اردو زبان اقبال بہ فارسی است و ہمین ارتباط باعث شد تا با مراداتی کہ ما با پروفیسور محمد صدیقی داشتیم، ایشان کتابش را بہ نام "دل‌ها یکی است" برای ملاحظہ و ویرایش پیش من آورد و از من خواست کہ آن را نگاه کنم و اگر اشکالی داشت با او صحبت کنم در نہایت باعث شد تا ہم بندہ ویرایشی از این کتاب داشته باشم و ہم مقدمہ‌ای بر آن کتاب بنویسم و ہم خوشبختانہ برگردان شعرها بہ فارسی را یک تجدید نظری بکنم؛ کہ در نہایت وضعیت کتاب بہتر شد.

یعنی باعث و بانی ہمہ این‌ها افتخارات فرخندہ و جاودانہ و ارزندہ و آثار بر جا مانده و تحکیم روابط اہل فرهنگ ما با اہل فرهنگ پاکستان، شہید گنجی بود؟

دکتر دبیران: شہید گنجی سہمی عمدہ در تحکیم روابط فرهنگی ایران و پاکستان داشت. با ذوق و شوق تمام ہمہ ایس کارها را انجام می‌داد. یعنی وقتی کہ تعریف می‌کرد آن استاد یا این محقق چنین شخصیتی دارد، آدم مشتاق

**شهید گنجی با تمام وجود  
به امام (ره) ارادت می‌ورزید و  
در سخنرانی‌هایش امام (ره) را  
احیاکننده احکام و منجی عالم  
اسلام می‌دانست و به خصوص در  
رحلت حضرت امام (ره) سنگ تمام  
گذاشت، برای تظاهرات با عظمتی  
که در خانه فرهنگ یا در مکان‌های  
مختلف لاهور یا در خود شهر لاهور  
برپا می‌شد**

میان بردند، ولی نام و یادش و تأثیر رفتار و کردار خالصانه‌اش تا ابد زنده است.

**خانم دکتر، شما روایت‌تان را از شهادت شهید گنجی بیان کنید.**

**دکتر دبیران:** همه ما آرزوی شهادت داریم. تمام این تلاشی که می‌کنیم، به خصوص برای انقلاب‌مان، این است که چشم‌مان به این باشد که در راه حق شهید شویم. مطمئناً خواسته شهید گنجی هم همین بوده است، ایشان آماده شهادت بودند و شهادت شهید گنجی، برآورده شدن آرزوی این بزرگوار بوده، اگر چه برای خانواده‌اش و دوستان و برای همه ما دردناک است، ولی در حقیقت همان عمر پربار کوتاهی که داشته است، یادگارهایی که مانده و ذکر خیری که از او هست، نشان می‌دهد که لایق رسیدن به درجه رفیع شهادت بوده است. مهم این است که زندگی هر کس، مفید و با ارزش باشد. ایشان آن‌قدر وجود ارزنده‌ای داشت که در سنین جوانی با این همه تلاش و فعالیت، تمام لحظه‌های زندگی‌اش مفید بوده است. این همه فعالیت در لاهور و شهرهای دیگر پاکستان و ایجاد پیوندهای مختلف فرهنگی بین پاکستان و ایران، یادگار ارزنده‌ای است که از شهید گنجی به یاد مانده است.

**کلام آخر؟**

**مهندس مهاجرانی:** آخرین کلام من این است که ما باید راه این بزرگواران را ادامه دهیم. برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی، برای خدمت به اسلام، همان‌طور که او از هیچ چیز ترسید و در راه انقلاب محکم و با ایمان قدم گذاشت، ما هم باید آماده باشیم. زمانی که در جبهه بودم، همین چیزها را به چشم می‌دیدم و همت و شجاعت شاگردان خودم در مدرسه را از نزدیکی می‌دیدم. مطمئن بودم که تا ما این عزیزان را داریم، هیچ ترسی از نیروی دشمن نداریم و خداوند همیشه حافظ این انقلاب و حافظ اسلام و ایران است.

**دکتر دبیران:** ما مدیون خانواده شهید هستیم. خانواده شهید، اینارگران، مفقودالانرها و به طور کلی خانواده انقلاب. این‌ها آن‌قدر به گردن ما حق دارند که ما هر گونه به آن‌ها خدمت کنیم، جوابگوی آن اینار و خدمت ارزنده‌ای که داشتند، نمی‌توانیم باشیم، ولی به هر تقدیر باید تا مقداری که توفیق و توان داریم، با رعایت ادب نسبت به خانواده شهید، هر گونه خدمتی که از ما برمی‌آید انجام دهیم و در نهایت در ادای دین خودمان به ایشان کوتاهی نکنیم. هر چه داریم از بزرگواری و همت شهید داریم. امیدوارم خدا به همه خانواده‌های این عزیزان صبر و اجر عطا کند تا همواره در کسب رضای خداوند متعال موفق باشند و به ما و شما که برای زنده نگاه داشتن نام و یاد آنان قدم برداشته‌اید، توفیق خدمت عنایت فرماید. ■

این امر - یعنی این مقدار عشق و علاقه - خیلی در ایجاد روحیه شاد در دیگران مفید و مؤثر بود. در حقیقت صفای خانوادگی می‌تواند به تنظیم برنامه‌های خارجی هم کمک کند. همین روحیه شاد شهید گنجی باعث می‌شد که ایشان بیهوده برای چیزی غصه نخورد، یا نگران نباشد. روحیه مثبتی که داشت برای تقویت روحیه دانشجویان، مهمانان هم خوب بود. و همین‌طور هم بسیار اتفاق می‌افتاد که خود افراد پاکستانی مشکلات خانوادگی‌شان را با این خانواده مطرح می‌کردند. از خاطرات خود خانم شهید گنجی هم یکی این بود که ایشان با یادآوری داستانی می‌گفتند: "حتی خانواده‌های سنی مذهب برای حل مشکلات‌شان به ما مراجعه می‌کردند." این روحیه وسیع و سعه صدر شهید گنجی می‌تواند سرمشقی برای همه مسؤولان فرهنگی باشد.

**شهید گنجی خودش چطور آدمی بود؟**

**دکتر دبیران:** بسیار با شخصیت و محترم بود. کسی بود که علی‌رغم این که طبعی شوخ داشت، ولی حرمت خودش را هیچ وقت از دست نمی‌داد. سنگین، موقر، با ادب، متین و شاد بود و همیشه هم روحیه مزاح و شوخی ملایم را در همه جلسات داشت.

**یعنی در واقع شهید گنجی از لحاظ اخلاقی و شخصیت و سلوک، آدم اندازه شناس و متناسبی بود؟**

**دکتر دبیران:** بسیار متناسب بود. رفتار ایشان واقعاً قابل تحسین بود. شهید گنجی یک انسان خالص، مؤمن و بی‌ریا بود. خیلی متواضع، خالص، فهمیده و خوش‌خو، بدون این که در مورد کسی سخن خطایی بگوید، همه را با محبت و صمیمیت و مهربانی یاد می‌کرد. همه کسانی که با ایشان مواجه می‌شدند یا آشنا بودند، ذکر خیرشان را در همه مجالس داشتند و فقط هشداری که بسیاری از ایرانی‌ها به ایشان می‌دادند، این بود که از ایشان می‌خواستند در این موقعیتی که از طرف ناشناسان و هابیون تهدید شده و احتمال دارد که خطری برای ایشان پیش بیاید، یک مقدار مراودت‌شان را با مسؤولان سیاسی پاکستان کم کنند، ولی این حرف را هرگز گوش نداد و تا آخرین روزی که ایشان به شهادت رسید، بی‌پروا در مجالس مختلف پاکستانی‌ها و مجالس مختلف تودییی که برای ایشان ترتیب می‌دادند، شرکت می‌کرد.

**آقای مهاجرانی، روایت‌تان را از شهادت این عزیزی که حدود دو سال تمام با ایشان نزدیک و صمیمی بودید، رفت و آمد خانوادگی و مراوده داشتید و وقتی از او صحبت می‌کنید این گونه به شوق می‌آیید که احساس می‌کنیم مثل پسر شما بوده، بیان کنید.**

**مهندس مهاجرانی:** البته ما موقع

شهادت ایشان آن‌جا نبودیم. چند ماه قبل از شهادت آقای گنجی مأموریت خانم بنده تمام شد و ما به ایران برگشتیم. وقتی شنیدیم، واقعاً متأثر شدیم و همان‌طور که فرمودید عین این بود که پدری فرزند خود را از دست داده باشد، خیلی ناراحت بودیم. منتها آن‌چه مقدر الهی باشد، ما هم تسلیمیم. البته باید بگویم اگر دشمنان نابکار اسلام و انقلاب، این بزرگوار را شهید کردند و بسیار ناجوانمردانه او را به خاک و خون کشیدند و از

می‌شد که هر چه زودتر به ملاقات او برود و ارتباط داشته باشد. پویایی و خستگی ناپذیر بودن او، به دیگران پویایی می‌بخشید. همه این‌ها برای ما ارزنده و مفید بود.

**شخصیت شهید گنجی برای شما یادآور چه نکات و ویژگی‌هایی بود؟**

**مهندس مهاجرانی:** من واقعاً احساس می‌کردم که شهید گنجی به عنوان یک مدافع انقلاب، روحانیت و اسلام و یک نیروی فعالی است که مایه افتخار است. شخصیتی قابل احترام داشت که آن وقت‌ها پیش خودم دعا می‌کردم که خدایا، این نیروی فعال و خوب را نگهدار تا بتواند آن چیزی که درک می‌کند، به مردم این‌جا - مردم خوب پاکستان - بفهماند؛ یعنی بگوید انقلاب ما چه تحولی در جهان ایجاد کرده است؛ و واقعاً این شخصیت قابل تقدیس و تکریم بود. به خصوص روحانیت را خیلی تمجید می‌کرد و با آن‌ها مرتبط بود، چون خودش هم در مدرسه عالی شهید مطهری درس خوانده بود و به استادانش علاقه خاصی داشت.

**به لحاظ شخصیتی چه ویژگی‌هایی داشت؟**

**مهندس مهاجرانی:** بسیار آدم خوش اخلاقی بود. فکر نمی‌کنم کسی از او تند یا بدخلقی دیده باشد. انسانی بود که مسائل را به خوبی درک می‌کرد؛ خوب تشخیص می‌داد و مشوق کسانی بود که برای اسلام و این انقلاب و زبان فارسی کوشش می‌کردند.

**دکتر دبیران:** یکی از ویژگی‌هایش توجه به خانواده خودش بود. علاقه شدیدی به خانواده، همسر و فرزندانش مسأله چشمگیری بود. همین‌طور علاقه متقابل خانم شهید گنجی به ایشان بود؛ در یک خانواده سالم، با محبت، بشاش و فعال. این زن و مرد، هر دو پا به پای هم، برای پیشبرد اهداف انقلاب، همیشه آماده بودند. خانم‌شان در آن‌جا کار نمی‌کردند ولی قبلاً در ایران معلم بودند. بعد از این که رفتند آن‌جا، ایشان همراه شهید گنجی فعالیت‌های اجتماعی داشتند. در مجامع مختلف حاضر می‌شدند. علاوه بر این محیط خانه را - که منزل آن‌ها در خانه فرهنگ واقع شده بود - یک محیط بسیار سالم و شاد و آماده پذیرایی برای ایرانی و خارجی قرار داده بودند. یعنی همیشه این خانه آماده خدمت بود، برای حل مشکلات هر کس که به نوعی مشکل خود را با آنان مطرح می‌کرد و این زوج موفق با روی باز مشکلات آنان را تا حد امکان برطرف می‌کردند.

یکی از خاطرات بسیار زیبای دیگر که از خانواده شهید گنجی دارم این است که وقتی شهید گنجی به مأموریت‌های مختلف به شهرهای دیگر می‌رفت، هنگام بازگشت خانمش برای استقبال از ایشان تمام پله‌ها را با گل فرش می‌کرد و

